

موضوع :

فرهنگ تشبیه در غزلیات شهریار

استاد راهنما : دکتر مجید سرمدی

استاد مشاور : دکتر علی (پدرام) میرزائی

نگارش: لیلا محمدی بخش

تقدیم:

تقدیم به آنکه دارمش دوست
تقدیم به آنکه وجودم از اوست

تقدیم به عزیزانی که در تمام زندگی همراه
و پشتیبان من بوده اند

پدر و مادر عزیزم این تنها برگ سبزی است
که می توانم برای تمامی زحماتتان، تقدیم
نمایم

الف

سپاسگزاری:

-سپاس و حمد بر وجود گرامی خالق یکتا باد که محبت خویش را در دل
مانهاد تا با کمک و راهنمایی و بنده برگزیده و رسالت حبیبش و با مدد از
قرآن و عترت و خاندان پاک رسول الله راه مستقیم که همانا راه عشق
است بییمائیم،

**الهی تو بینایی و گواهی و ملجا و پناهی، الهی جز تو نجسته و نجویم و بجز
سبیل مهر و محبت راهی نیپموده و نیپویم .**

-با تشکر از عزیزان و استادان گرانقدر جناب آقای دکتر سرمدی و دکتر
میرزایی که مرا در تدوین و گردآوری این پایان نامه یاری کرده اند.

- با تشکر از تمامی دوستان و عزیزانی که مرا در کتابت این اثر یاری
فرموده اند.

چکیده:

نظم فارسی در هر دوره لبریز از فایده های بیانگر حقیقت و منظر و مجلدی از دیدگاههای بنیادی و شناخت کلی از جامعه زمان خود است و به بیان دیگر گویای اندیشه های دینی، عرفانی، اجتماعی، اخلاقیات، سیاست و اقتصاد است و در یک کلمه هر آنچه به گونه ای زنده با آدمی بستگی و با جامعه پیوستگی دارد.

هدف از این تحقیق گشودن فضای جدید در حوزه دیوان غزلیات شهریار در دوران معاصر می باشد و در نهایت سعی بر این است که تمامی تشبیهات و ارکان تشکیل دهنده آن که منعکس شده است مورد بررسی قرار بگیرد تا شناختی بهتر و دقیق تر از اشعار مورد نظر حاصل شود و با ظرافتها و زیباییهای به کار رفته در این اشعار بهتر آشنا شویم. و نیز بررسی زیبایی شناسی تشبیه در غزلیات شهریار و تجزیه و تحلیل تشبیهات به کار رفته و رسیدن به کلیتی دقیق در آن و در نهایت ایجاد فرهنگ تشبیه از غزلیات شهریار می باشد.

این تحقیق در پی محقق ساختن این مدعاست که هر اثر ادبی منعکس کننده شرایط و اوضاع اجتماعی زمان خود می باشد و بر اساس آن شاعر اقدام به سرودن شعر می کند.

کلید واژه : شهریار-دیوان غزلیات شهریار - تشبیه

فهرست

صفحه

۱	مقدمه
۱	شهریار و شعر او:
۲	شهریار ملک سخن
۵	شهریار و شیوه سخن او
۵	سبک و شیوه سخن شهریار:
۷	زبان شعری شهریار:
۸	سبک شعری شهریار:
۱۰	جلوه های عرفانی شعر شهریار:
۱۰	استقبال شهریار از حافظ:
۱۲	کلیات
۱۲	تعریف مساله و بیان سوالهای اصلی تحقیق:
۱۲	سابقه و ضرورت انجام تحقیق:
۱۲	هدف:
۱۳	علائم و نشانه های اختصاری:
۱۵	تشبیه :
۱۵	تقسیم بندی تشبیه :
۱۶	انواع تشبیه به اعتبار ادات:
۱۹	تشبیه خیالی و وهمی :
۱۹	تشبیه به اعتبار مفرد و مقید و مرکب بودن :
۲۱	وجه شبه تحقیقی و تخیلی:
۲۱	وجه شبه دو گانه یا صنعت استخدام:
۲۱	وجه شبه مفرد و متعدد و مرکب:
۲۲	وجه شبه متعدد:
۲۲	وجه شبه مرکب:
۲۲	تشبیه تمثیلی :
۲۳	انواع تشبیه به لحاظ شکل :
۲۴	نو کردن تشبیه :
۲۶	مثال هایی از شهریار :
۲۹	طیف وجه شبه:
۲۹	اضافه تشبیهی:
۳۱	- فرهنگ مشبه:
۱۵۶	فرهنگ مشبه به :
۳۰۱	جدول فرهنگ مشبه
۳۲۶	جدول فرهنگ مشبه به
۳۵۷	جدول فرهنگ ادات تشبیه
۳۶۲	نتیجه گیری:
۳۶۴	پیوستها:
۳۷۰	منابع و ماخذ

شهریار و شعر او:

«میر محمد حسین بهجت تبریزی، متخلص به شهریار، فرزند حاجی میرآقا از سادات خشک‌ناب آذربایجان و از وکلای مبرز دادگستری تبریز، در سال ۱۲۸۵ هـ.ش در تبریز به دنیا آمد. ایام کودکی را که مصادف با انقلاب آذربایجان بود، در قراء سنگل آباد و قیش قرشان خشک‌ناب به سر برد. مقدمات را با قرائت گلستان و نصاب در مکتب ده پیش پدر آموخت و خیلی زود با دیوان حافظ آشنایی یافت. دوره ابتدایی و دوره اول متوسطه و مقداری از ادبیات عرب را در تبریز آموخت.

در سال ۱۳۰۰ هـ.ش به تهران آمد و در دارالفنون مشغول تحصیل شد و سپس به تحصیل طب پرداخت و چند کلاس را در این رشته پیمود، ولی در نتیجه ی تنگدستی یا بر اثر یک عشق بدفرجام نتوانست به تحصیل ادامه دهد و ناچار کمی پیش از دریافت دیپلم دکترای طب را ترک گفت.

در سال ۱۳۱۰ هـ.ش به خدمت دولت در آمد و نزدیک به دو سال در ثبت اسناد نیشابور و مشهد خدمت کرد. در سال ۱۳۱۴ هـ.ش به تهران بازگشت و وارد شهرداری شد و یک سال به عنوان بازرس بهداری مشغول بود تا در سال ۱۳۱۵ هـ.ش به بانک کشاورزی انتقال یافت.

شهریار در تهران محفل انسی داشت و دوستانش گاه و بی گاه به دیدارش می رفتند. با این همه او به تنهایی خو گرفته بود و هیچ چیزی برای شاعر بهتر از تنهایی و گوشه‌گیری نبود شاعر که در سال ۱۳۱۶ هـ.ش پدر را از دست داده بود، پانزده سال بعد در (سال ۱۳۳۱ هـ.ش) هم عزای مادر نشست و به کلی بی کس و تنها ماند.

در سال ۱۳۳۲ هـ.ش به تبریز رفت و مدت ها در آنجا با حقوق باز نشستگی مختصری که از بانک کشاورزی دریافت می داشت، به سختی امرار معاش می کرد، تا اینکه هیئت امنای دانشگاه آذربایجان در نخستین جلسه خود که روز یکشنبه ۲۲ بهمن ماه ۱۳۴۶ تشکیل یافت در مقام تجلیل از استاد او را یکی از پاسداران شعر و ادب میهن خواند و به پیشنهاد دکتر هوشنگ انصاری، رئیس آن دانشگاه، عنوان استادی افتخاری دانشکده ادبیات تبریز را به وی اعطا نمود و نیز وزارت فرهنگ ایران، به پیشنهاد فرهنگ آذربایجان شرقی آموزشگاهی را در شهر تبریز به نام وی نام گذاری کرد و روز ۲۶ اسفند ماه را در تاریخ فرهنگ آذربایجان «روز شهریار» نامید.^۱

^۱ - آراین پور. یحیی، ۱۳۷۶، ص ۵۱۰

آثار شهریار:

- ۱- دیوان شعر که شامل غزلیات (۵۳۸ غزل) قصاید و قطعات و مثنوی و منظومه هایی مانند: دو مرغ بهشتی (که به تقلید از افسانه نیما سروده است) و هذیان دل و افسانه شب، اشعاری به سبک شعر نیمایی با عناوین: پیام به انشتین، مومیایی، ای وای مادرم و غیر.
- ۲- دیوان شعر به زبان آذری ۳- منظومه «حیدر بابایه سلام» به زبان آذری.

شهریار ملک سخن

شکستن صف من کار بی صفایان نیست

که شهریارم و ملک سخن سپاه من است ص ۱۱۱

بهترین بخش شعروادبیات جهان که بیشترین نفوذ را در دلها کرده و بیش از همه بر زبانها جاری شده، آن اشعاری است که از آن رایحه الهیت و بوی عشق و عرفان به مشام می رساند و به تعبیر مولانا، آنها که در آتش عشق الهی سوختند و چون عود آفاق جهان را معطر ساختند روزی می گویند: اگر چو عود سوزی تن من فدای جانت

که خوش است عیش مردم به روایح عبیرم

اما آنان که در آتش شهوات و خار و خس خودپرستی سوختند، شعرآنان چون دود از میان برخاست و از بین رفت و عکس آن سخن حال اهل حق است و بر این نکته سخن مولانا گواه است: هر کجا بوی خدا می آید

حلق بین بی سرو پا می آید

شهریار شعر رابه زبان عشق دانسته و آن را به سه مرحله تقسیم کرده است:

عشق فردی، عشق اجتماعی و انسانی و عشق الهی و عرفانی و کمال شعر را در مرحله دوم سوم دانسته است .

جوهر ذات آدمی عقل است و عقل اگر روی به تزکیه و تهذیب نفس آورد، نوری از ذات الهی در وی می تابد و این نور را اهل بینش عشق خوانده اند.

انسان باید خدا را فراموش نکند و از یاد نبرد. خدا خودش تلقین می کند «الرحمن علم القرآن» یعنی خداست معلم قرآن. شاعر هم همینطور است، شاعر یک درجه پایین تر از پیامبر است. شعر خوب و کامل عرفانی از روح مجرد است، منتها به انبیا وحی می شود ولی به شاعر الهام.

اما بالاخره باید شعر همه اش یک موضوع باشد، همه اش بیان توحید.

شعری که از نور الهی خالی باشد ظلمانی و بی دوام است، از این رومی بینیم باینکه دایره سخن شهریار بسیار گسترده و فراگیر است و در موضوعات متنوع شعر سروده، اما بهترین اشعار او همچنان

که خود فرموده، همانها می باشد که از دایره تنگ مسائل شخصی و تعلقات خاکی و گذران در گذشته و راهی به آسمانها برده و رایحه ای از مشک کلام الهی و سخن اولیا و عارفان به همراه آورده است، البته این بدان معنی نیست که دیگر اشعار او که گاه در تغزلات عشق مجازی و گاه در موضوعات شخصی و گذراست، از نظر ادبی مقام و منزلتی ندارد، بلکه گاه ابیات و قطعات نغز و بدیع در تشبیهات و استعارات بکر در همین اشعار به چشم می خورد که جذاب و گیر است اما به تعبیر مولانا در فیه ما فیه جاذبه به صورت چندان دوام ندارد و این معنای توجه الهی را شهریار اینگونه بیان می دارد:

زندگانیم وزمین زندان ماست

زندگانی دردبی درمان ماست

راندگانیم از بهشت جاودان

وین زمین زندان جاویدان ماست ص ۴۷۷

در اشعار معنوی که حامل پیام است، مهم ترین سرمایه شهریار قرآن است که آن رابتهترین چراغ هدایت و سرچشمه فیض دانسته است:

به شمع صبحدم شهریار وقرآنش

کزین ترانه به مرغان صبح خوان مانم ص ۳۱۴

و دیگر آنکه از کودکی با قرآن انس داشته و خود می گوید «من شانس ادبی که آوردم مدیون این هستم که در روستا بودم، ۶ سال داشتم الفبا را خوانده بودم می توانستم عبارات را بخوانم...» تا آنجا که می گوید: «طاقچه ای بود و در آن دو کتاب بود یکی قرآن، دیگری دیوان حافظ بعد از بازی می آمدم یک دفعه آیات قرآن را می خواندم و یکبار دیوان حافظ را، از اول مغز من پر شد از این کلمات موزیکال آسمانی.»

او قرآن را معجزه باقی الهی میدانند که بشر از آوردن به ما نندش نا توان است :
شهریار گاه و بی گاه در اشعارش مضمون آیه ای را در قالب قطعه ای بیان می دارد و انعکاس قرآن در دیگر اقسام شعر او از غزل و قصیده و... آشکار است و نمونه های بسیاری می توان ارائه داد :
جبین گره مکن از هر بدی که پیش آید

کزین نوشته تو یک روی صفحه میخوانی

به روی دیگر آن نعمتی نهفته خدای

که شکر کردن آن تا به حشر نتوانی

که مضمون آیه « عسی ان تکرهوا شیئا و هو خیر لکم » می باشد .

غزل زیر که در ستایش احادیث است تا اندازه ای بوی سخن جامی را به مشام می رساند نیز خالی از اشارات قرآنی نیست :

ای بر سریر ملک ازل تا ابد خدا

وصف تو از کجا و بیان من از کجا

تنها تویی که هستی و غیر از تو هیچ نیست

ای هرچه هست و نیست به یکتایی ات گواه

بار امانتی که نهادی به دوش من

باری بود که پشت فلک می کند دوتا

همچنین علاوه بر قرآن از منابع الهام اشعار معنوی شهریار سخنان امیرالمومنین علی (ع) و شخصیت و حوادث زندگی آن بزرگوار است که قصیده معروف زیر شاید نقطه اوج شعری شهریار است که از اخلاص و ارادت او به آستان علی(ع) مایه گرفته است :

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را

که به ما سوا فکندی همه سایه هما را

دل اگر خدا شناسی همه در رخ علی بین

به علی شناختم من به خدا قسم خدارا

تا آنجا که می گوید :

نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت

متحیرم چه نامم شه ملک لا فتی را .ص ۶۹

منبع دیگر الهام او آراء و افکار و زندگی ائمه بود. او عاشق بی قرار اباعبدالله... الحسین (ع) بود .

شیعیان دیگر هوای نینوا دارد حسین

روی دل با کاروان کربلا دارد حسین

پس از موارد ذکر شده بالا منبع الهام اشعارگزیده شهریار سخن بزرگانی چون سعدی ص ۷۰ و مولانا و حافظ و دیگر شاعران اهل معرفت است که خود دست پرورده تعلیمات آسمانی قرآنند و شهریار پیوسته سر بر آستان ارادت آنان داشته و در برابر کاخ رفیع سخن ایشان سر تواضع بر زمین نهاده است، او در میان شاعران پارسی بیش از همه شیفته حافظ است که (هر چه دارم همه از دولت حافظ دارم .) و گویند در مدت اقامت در شیراز، شبهای شهریار بر سر مزار حافظ گذشته و از تربت او همت طلب نموده تا روز وداع که با این غزل شیوا و جانسوز از استاد غزل عارفانه خود خداحافظی نموده و کمال ارادت خود را نشان داد .

به تودیع جان می خواهد از تن خواهد شد خداحافظ

به جان کندن وداعت میکنم حافظ، خدا حافظ

که در بیت آخر غزل می گوید :

مگر دل می کنم از تو بیا مهمان به راه انداز

که با حسرت وداعت میکنم حافظ، خدا حافظ ص ۲۷۹

در باب ارادت و عشق به سعدی می گوید :

سعدیا از باب عشقت در گلستان آمدیم

بوستانت دیده چون بلبل به دستان آمدیم ص ۵۵۰

اینها نمونه هایی از چشمه های الهام اشعار بلند شهریار بود، باین همه اشعاری که در عشق مجازی سروده، نیز از لطف و قریحه شهریار برده است و به هر حال چون عشق مجازی نیز سایه ای از عشق حقیقی دارد اینگونه اشعار نیز از آن رایحه عشق الهی بی نصیب نمانده، از جمله منظومه حیدر بابا که به زبان ترکی سروده و به فارسی نیز ترجمه شده است از بهترین نمونه های آثار شهریار است .

شهریار و شیوه سخن او

امروزه اگر بخواهیم کشورهای ترک زبان را از اقصای مغولستان و خراسان شمالی و آن شهرها که روزگاری جایگاه پرورش ریاضی دانان بزرگی چون خوارزمی، بوعلی سینا و بیرونی و همانند این بزرگمردان بوده است به شمار آورم به گواه انتشار آثار ترکی شهریار در معیاری که بتواند خوانندگان اشعار وی را بیرون از مرزهای جغرافیایی زبان فارسی دربرگیرد به اندازه ای است که مطابق با برآورد یکی از محققان بیش از هشتصد میلیون می رسد.

سبک و شیوه سخن شهریار:

یکی از موارد مهم این است که الفاظ، کلمات و مصطلحات (از تشبیه گرفته تا کنایه و استعاره و دیگر دقایق بیانی) ظرف هایی هستند که معنی را در خود نهفته دارند، معنی پردگی عبارات یا به قول حکیم سنایی (روی پوشیدگان عالم غیب) عروسان حرم نشین الفاظ که محقق می یابد با ذهنی معنی جو که اشراف با این عالم اسرارآینه دارد بتواند از حریم این پرده ها راهی به سوی آن پری نهفته روی پیدا کند.

این حالات عاطفی بیان مادی همان واقعیتی است که در منطق اروپایی عشق نامیده می شود و شاعر راستین این مرحله را که پرده چشم فریب و جادوئی حواس است تا با همه وجود خود احساس نکند

ودرد ورنج آن را در نهایت دقت درنیابد وبا مناسبترین کلمات و شیواترین زبان به نظم درنکشد نمی تواند شاعر باشدگذشتن از این مرحله ،نخستین هنر شاعری است.

شهریار بی تردید یکی از موفق ترین شاعران درگذشتن از راه پرپیچ و خم سبک های مختلف شاعری بوده است شاعر در این آزمون دردورنج آن چنان نیکوودقیق از عهده برآمده است که پایه هنر خود را به اقصای عالم تخیل رسانیده است.

دروصل هم زعشق تو ای گل در آتشم

عاشق نمی شوی که ببینی چه می کشم

باعقل آب عشق به یک جو نمی رود

بیچاره من که ساخته از آب و آتشم

باور مکن که طعنه طوفان روزگار

جز در هوای زلف تو دارد مشوشم ص ۳۱۰

لطف سخن شهریاری در بیان ادراک های عزیزی که لازمه جوانی است به حد اعلای وقت می رسد.شهریار با گنجینه پایان ناپذیری که از لغات ومصطلحات وامثله ای که بیش از هر عبارتی از برای القای احساس، همنوای دل عارف و عامی است کلام خود را به نهایت تاثیر ونفوذ می رساند. در بیان این عواطف که شاعر درد خویش رابهانه ی جویدوتلخی پند رابه شیرینی کلمات وشور بیان می زداید،کمتر شاعری است که جسارت آوردن اصطلاحات رایج را در نشان دادن رنج خود به کار گیرد وایهامی بدیع بیافریند:

گاهی گراز ملال محبت برانمت

دوری چنان نکن که به شیون بخوانمت

چون آه من به راه کدورت مروکه اشک

پیک شفاعتی است که از پی دوانمت

توگوهر سرشکی ودردانه صفا

مژگان فشانمت که به دامن نشانمت

سروبلند من که به دادم نمی رسی

دستم اگر رسد به خدا می رسانمت ص ۱۴۷

این ضرب المثل عامیانه که به خدا می رسانمت زبان کوی وبرزن است جز با طبع شهریار با چنین ایهامی از که بر می آید.وآنگاه که :

پدرت گوهر خود تا به زروسیم فروخت

پدر عشق بسوزد که درآمد پدرم ص ۳۰۴

و کدام شاعر رادریبان دردخویش از غمی که به ناکامی درپیوسته است باین الفاظ پیش پا افتاده این جرات و قدرت را تواند بود تا سخن راچندان تاثیر بخشد که دل سنگ را آب کند؟ جز شهریار هیچ شاعر دیگری نیست که بتواند این چنین سخنانی را آنچنان جانی بخشد که بلیغ ترین عبارات را به دست فراموشی سپرد و این غزل: چه انتظاری سوزان و چه اشتیاق نوید و آمیخته با گله :

باز امشب ای ستاره تابان نیامدی

باز ای سپیده شب هجران نیامدی ص ۳۹۰

و سرانجام آنجا که شاعر به نهایت نویدی می رسد چاره دل رادوایی می جوید:

چو در بستی به روی من به کوی صبر و کردی

چو درمانم نبخشیدی به درد خویش خو کردم ص ۲۹۳

این جمله اندکی از بسیار سخن شهریار است که شیواتر و فصیح تر و کاری تر و موثر تر از هر شاعری حالات عاشقانه را به اقتضای جوانی باز گفته است.

زبان شعری شهریار:

چهار ویژگی عمده در زبان شعری شهریار موجود است:

الف: وجود لغات، فعل ها و اصطلاحات عامیانه که به جرات می توان گفت :

در تاریخ ادبیات معاصر ایران از این حیث اگر بی نظیر نباشد کم نظیر است،

ب: تاثیر لهجه تهران که منجر به استعمال کلماتی چون «جم» به جای «جمع» «می خواد» به جای «می خواهد» «بلن» به جای «بلند» «دسپا» به جای «دست و پا» «بزر» به جای «بزرگ» و... شده است.

پ: وجود کلمات و ترکیباتی که بر مظاهر عصر حاضر دلالت دارد: نظیر، آباژور، سینما، لژ، فرجه، ماه عسل، واژگون، قطار، راه آهن و....

ت: احیای برخی از واژه ها و ترکیب های زیبای متروک و نیمه متروک قدیمی نظیر دلدوز، ناوک، خدنگ و... شهریار خود بر این زبانی واقف بود و می دانست که زبان محاوره امروز را به زبان

قرن ۳ و ۴ هجری پیوند می زند در شعر تذهیبی به دیوان مشفق کاشانی می گوید:

سی چهل سال من از عمر به تهران طی شد

شعر من هم بالهجه تهرانی بود

باین توصیف شاعری که در حشرونشر مدام بابزرگان ادب فارسی در گذشته و حال است و بامردم کوچه و بازار ارتباط صمیمانه ای دارد طبیعی است که در سرود ه های خود واژه ها و ترکیبات راجهت انتقال بهتر احساس خود گلچین می کند به عنوان نمونه به بعضی از آنها می پردازیم.

وجود بیش از ۱۷۵۰ اصطلاح و مثل عامیانه در دیوان استاد شهریار نشانگر تسلط و احاطه کامل شاعر بر زبان و فرهنگ فارسی است نتیجه اش البته جلب توجه خواننده و شنونده و اقبال عمومی به شعرهای اوست:

نمونه:

پدرت گوهر خود تابه زروسیم فروخت

پدر عشق درآمد که درآمد پدرم ص ۳۰۴

که پدر درآمدن یاد آوردن نشانه سخت تنبیه شدن و تنبیه کردن است.

یا:

شوهر من وصله ناجور بود

من که نمی خواستمش زور بود

وصله ناجور به مفهوم ناهماهنگ و ناجور است

به دورانهای طاغوتی چها کردند با اسلام

که شیطان بود سردمدار آن اوضاع هر دمبیل

هر دمبیل به زبان ترکی در معنای بی نظم و ترتیب و بی قاعده است.

باتوجه به موارد بالا ملاحظه می شود که شعر شهریار خالی از کلماتی که دلالت بر مظاهر عصر جدید دارند اعم از فارسی و انگلیسی و... نیست. این شاعران جهت انتقال احساس واقعی خود هر واژه ای را که مناسب تشخیص می دادند وارد زبان می کردند که در نتیجه باعث اطلاع و آگاهی از تاریخ ادب و زبان و لغت معاصر است.

سبک شعری شهریار :

سبک شعری شهریار که سبک عراقی است از بین شاعران این مکتب به حافظ بیشتر از شاعران دیگر ارادت ورزیده و دیوانه وار به استقبال وی رفته و شیوه کار خود را شیوه و سبک حافظ دانسته است. در این مورد می گوید:

من به استقبال حافظ میروم دیوانه وار

غافل انگار که با حافظ رقابت می کنم

شهریار اشعر حافظ را چه حکمتها که من

خواندمش حرفی و در دلها حکومت می کنم ص ۳۱۷

یا:

عجب که دست خط شهریار چون حافظ

به موزه های جهان رفت و از نفاس شد ص ۹۰

یا:

شیوه کارمن از خواجه شیراز می‌پرس

کانچه استاد غزل گفت بکن آن کردم ص ۲۹۶

و در ادبیات دیگر خواجه را پیرو مرشد خود قلمداد کرده است و خلوص قلب و ارادت بی شائبه خودش را به حافظ چنین بیان می‌کند:

من سزاوار غلامی تو بودم حافظ

چه کنم قرعه به اقبال گلندام افتاد ص ۱۵۲

یا:

دردل شبها چه ساعتها که من از خود به در

در خلوص عشق خود با خواجه خلوت می‌کنم

این وظیفه خواستن از خواجه شرط بندگی است

در خلوص عشق خود با خواجه خلوت می‌کنم

تاج فخر و خاکساری و آنچه دارم فیض او نیست

پاس نعمت را سپاس حق نعمت می‌کنم ص ۳۱۷

شهریار شاعری است که سرمشق اش قرآن است و در برابر دیو سرکش درونی تهمتن و همچون مولایش دنیا را طلاق داده است.

شهریارا به بیا من سحر و زر خط شمع

که همه مشق خود از سر خط قرآن کردم ص ۲۹۶

نو شهریار در هفت خان تهمتن باش

که دیو نفس حرون است و راه بان نرهند ص ۲۲۶

شهریار این قدرم بس که جهان داده طلاق

همه حق گویم و تسبیح خداوند کنم ص ۳۱۶

شهریار خود را وفادار به عهد الست می‌داند و مثل نی مولانا از جداییها شکایت به لب دارد و مدام به یاد چشم خلد و سروش خواب و خیال وطن اصلی خویش است و این جهان را به منزله قفسی می‌شمارد که در آن زندانی شده است.

به خیره عهد نبستم که بشکنم بادوست

به عهد او که همه شاخه اهرمن شکنم

غبارتن نه منم شهریار زان بگذر

صفای چشمه ی جان را نظاره کن که منم ص ۳۱۵

جلوه های عرفانی شعر شهریار:

توبه:

شفیع دیده ودل اشک توبه ای جاری است

ولی چه جلوه کند گوهری به عمانش ص ۲۷۴

توجه به خدا وثبت پا زدن به ماسوی ...

به تعلقی که ترابه خود بخودآ، که روی وصال نیست

مگر آنکه بگسلی از خود وهمه روی دل به خدا کنی ص ۴۱۸

صفای دل:

صفای گلشن دلها به ابروباران نیست

کاین وظیفه محول به اشک وآه من است ص ۱۱۰

تقوا:

جنگ شیطان نتوان جزبه صلاح تقوا

شهریارانه حریفی توبه این کافر کیش ص ۲۷۷

عشق:

عاشقی درد ست ودرمان نیز هم

مشکل است این عاشق وآسان نیز هم

طیب عشق که درمان دردها بکند

به درد عشق همه دردها دوا بکند ص ۳۲۲

دعا:

یگانه رازونیاز قبول اهل دل است

دوگانه ای که به درگاه بی نیاز کند

استقبال شهریار از حافظ:

رسید در تو و دست زدآمان بر نمی دارم

تویی حافظ که من این ازبخت خود باور نمی دارم ص ۳۰۲

بی تردید وابستگی معنوی شهریار به حافظ گستره ی برتری دارد که شهریار شناسی را به حافظ

شناسی وابسته می کند واگر محققى بر آن شود که به مقایسه ی همه جانبه ی اشعارشهریاروحافظ

همت بگمارد یک روح را در دو کالبد خواهد دید چرا که همواره خود را پیر وراستین حافظ

دانسته و اورا الهام بخش خود محسوب می نموده در عالم خواب با او نشست است در بهر
مکاشفات با او مستقرب گشته،

در کجاوه معرفت هم نشین او بوده است و در پیمانہ کشی قرین «دوستدارموی خوش و روی دلکش
»اوست و به یاد او در آتش در اینجا ابیاتی از حافظ آورده و بعد از آن ابیاتی را از شهریار می آوریم
که از آن استقبال کرده است
حافظ (ص ۳۳۸)

من دوستدار روی خوش و موی دلکشم

مدهوش چشم مست و بی صاف و بی غشم

شهریار (ص ۳۱۰)

در وصل هم ز عشق تو ای گل در آتشم

عاشق نمی شوی که بینی چه می کشم

حافظ (ص ۴۷۳)

وقت را غنیمت دان آنقدر که بتوانی

حاصل از حیات، ای جان این دم است تا دانی

شهریار (ص ۴۱۳)

خلوتم چراغان کن ای چراغ روحانی

ای ز چشمه ی نوشته چشم و دل چراغانی

حافظ (ص ۲۷۹)

خوشا شیراز و وضع بی مثالش

خداوندا نگهدا از زوالش

شهریار (ص ۲۷۲)

خوشا تهران و طرف لاله زارش

خرامان شاهدان گلعدارش

و حافظ (ص ۲۶۸)

گلعداری ز گلستان جهان مارابس

گلعداری زین چمن سایه ی آن سرو روان مارا بس

شهریار (ص ۲۶۴)

نان بی متنی از خان جهان مارابس

ای فلک خون دل از خان تو نان مارا بس

کلیات

تعریف مساله و بیان سوالهای اصلی تحقیق:

بی تردید شناخت شاعران هر دوره و کاربردهای سبکی آنها ضروری به نظر می رسد و شناخت واقعیت های عینی و ملموس اجتماعی در آثار نظم و نثر ادبیات فارسی از سابقه چندانی برخوردار نیست در هر حالی که هر اثر به نوبه خود در بردارنده عناصر اصلی از سبک های معاصر خود می باشد و با جستجو در آنها می توان به ناشناخته های موجود در آنها پی برد و صنایع آن استخراج و مورد تجزیه و تحلیل قرار داد، از این رو پژوهش حاضر در پی آن است که با مطالعه دیوان غزلیات شهریار بازتاب عناصر تشبیه را مورد بحث و بررسی قرار دهد و در نهایت پاسخگوی پرسشهای محوری و بنیادی زیر باشد:

- ۱- بیاتی که تشبیه در آن به کار رفته است کدامند؟
- ۲- انواع تشبیه و چگونگی کاربرد آن چگونه است؟
- ۳- آیا اصلا شهریار در دیوان خود از انواع تشبیه و عناصر آن استفاده کرده است؟
- ۴- آیا بسامد تشبیه در دیوان شهریار گسترده است؟

سابقه و ضرورت انجام تحقیق:

باتوجه به اینکه بررسی تشبیه در اشعار شاعران یکی از موعوضات پراهمیت در حوزه ادبیات فارسی است و همچنین برای شناخت هر شاعر و اثر او و بررسی سبک او تحقیق ضروری به نظر می رسد پس از جستجو و بررسی از کتابخانه و مرکز پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران و پایگاههای مورد نظر در اینترنت سابقه ای مبنی بر انجام چنین کاری با این روش یافته نشد و لذا تحقیق در این مورد ضروری به نظر می رسد.

هدف:

هدف از این تحقیق دستیابی به مفاهیم و مضامین عمیق شعر شهریار که در دوران معاصر سبک خاصی را بنا نمود و دستیابی و شگردها و اهداف ویژه او در به کارگیری کلمات و عبارات مورد استفاده که از جمله (زبان ترکی و تهرانی و...) در اشعار او چشمگیر می باشد و از طرفی دیگر بررسی زیبایی شناسی تشبیه در غزلیات شهریار و تجزیه و تحلیل تشبیهات به کار رفته و رسیدن به کلیتی دقیق از تشبیهات به کار رفته در غزلیات شهریار و در نهایت ایجاد فرهنگ تشبیه در غزلیات شهریار می باشد. چه کاربردهایی از انجام این تحقیق مقصود است:

نتایج این پژوهش می تواند راهگشای مناسبی در جهت معرفی و شناساندن اشعار شهریار و تاثیر ویژه آن در دوره معاصر باشد و بتوانیم شناخت دقیق و بهتری از غزلیات شهریار داشته باشیم و در نهایت در جهت نیل به نتیجه مطلوبتر در پژوهشهای سبک شناسی - مباحث بیانی و... باشد.

روش و ابزار گردآوری اطلاعات :

روش گردآوری: فیش برداری - تنظیم و طبقه بندی موضوعی - تحلیل ضمنی

ابزار گردآوری: ماخذ و مراجع مکتوب - سایتهای اینترنتی - مقالات پژوهشی و یادنامه ها

* لازم به ذکر است نوع تحقیق بنیادی می باشد و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات، تجزیه و تحلیل نظری و طبقه بندی موضوعی است و جامعه آماری مجموعه غزلیات شهریار می باشد.

علائم و نشانه های اختصاری:

علائم و نشانه هایی که در این تحقیق به صورت اختصاری نوشته شده به شرح ذیل می باشد.

۱- ارکان

M		مشبه
B		مشبه به
A ⁻		ادات تشبیه ⁻
V		وجه شبه
A		۲-ادات تشبیه
A1	ادات تشبیه	الف: تشبیه مرسل
A2		ب: تشبیه موکد
		۳-وجه شبه
V1	وجه شبه	۳-۱-الف: مفصل
V2		ب: مجمل
V3		ج: بلیغ
V4		ج ۱-اضافه تشبیهی
V5		ج ۲-اضافه غیر تشبیهی
V6		۲-۳-الف: وجه شبه دوگانه (استخدام)
V7		۳-۳-الف: وجه شبه مفرد
V8		ب: وجه شبه متعدد
V9		ج: وجه شبه مرکب
V10		ج - ۱- تشبیه تمثیل

M1B1	الف:مفرد	مفرد
M1B2	ب:مفرد	مقيد
M1B3	ج:مفرد	مركب
M2B1	د:مقيد	مفرد
M2B2	ه:مقيد	مقيد
M2B3	و:مقيد	مركب
M3B1	ز:مركب	مفرد
M3B2	ح:مركب	مقيد
M3B3	ط:مركب	مركب

-5

F	۱-۵ ملفوف
G	۲-۵ مفروق
T	۳-۵ تسويه
J	۴-۵ جمع
K	۵-۵ معكوس
Z	۶-۵ مضمير
S	۷-۵ مشروط
C	۸-۵ تفضيل

-6

H	۱-۶ حسی
L	۲-۶ عقلی

تشبیه :

«اصطلاح تشبیه در علم بیان به معنی مانده کردن چیزی است به چیزی، مشروط بر اینکه ماندگی مبتنی بر کذب یا حداقل دروغ نما باشد، یعنی با اغراق همراه باشد. توضیح اینکه همین که می‌گوییم مانده کردن (تشبیه مصدر باب تفعیل است که از برای تعدیه به کار میرود) معنایش این است که آن دو چیز به هم شبیه نیستند (یه حداقل شباهتشان آشکار نیست) و این ما هستیم که این شباهت را ادعا و برقرار و یا آشکار می‌کنیم. اما چون معمولاً به این نکته توجه نمی‌شود ما قید «مبتنی بر کذب بودن» را جهت مزید تاکید بر تعریف افزودیم.

بدین ترتیب جمله: سگ مانند شغال است تشبیه نیست زیرا هر چند همه ارکان تشبیه را داراست اما مبتنی بر صدق است نه کذب. به این معنی که در واقع هم سگ و شغال از یک گونه‌اند. این است که این جمله مخیل نیست و از صور خیال محسوب نمی‌شود»^۲

هر تشبیه‌ی از چهار جزء تشکیل میشود که ارکان تشبیه نام دارند:

۱- مشبه ۲- مشبه به ۳- وجه شبه ۴- ادات تشبیه (مانند چون، همچون، سان، وش، صفت، (پروانه صفت)، یا افعال مانند: ماندن، مانستن، نسبت دادن، حکایت کردن و...)

برای مثال در تشبیه: روی او مانند گل سرخ است.

روی او: مشبه گل: مشبه به سرخ بودن: وجه شبه مانند: ادات تشبیه

تقسیم بندی تشبیه :

تشبیه را از جهات مختلف به گونه‌های مختلف تقسیم کرده‌اند که ما در اینجا آنها را می‌آوریم.

تشبیه از نظر آمدن یا نیامدن وجه شبه :

۱- تشبیه مفصل:

اگر وجه شبه در تشبیه ذکر شود به آن مفصل می‌گویند مانند :

یار چندان باده ام پیمود تا چون شاخ بید

از نسیم لطف دیدم اهتزاز خویش را ص ۸۰

وجه شبه: اهتزاز (لرزیدن) که ذکر شده است.

^۲ - شمس‌السیروس، ۱۳۵۷، ص ۳۴